



نویسنده ملت عشق به سرقت ادبی متهم شد



الیف شافاک، نویسنده شناخته شده ترکیه ای، به سرقت بخش هایی از کتابی در سال ۱۹۹۰ و استفاده از آن ها در رمان پرفروش خود «شیش پالاس» متهم شده است. آن گونه که خبرگزاری ایسنا نوشته است،

دادگاهی در ترکیه، الیف شافاک، رمان نویس برنده جایزه را به پرداخت غرامت به نویسنده دیگری پس از متهم شدن به کپی برداری از کتابش محکوم کرد. دادگاه استانبول اعلام کرده که گزارش کارشناسی تهیه شده برای این پرونده نشان می دهد که حداقل پنج درصد از رمان نوشته شافاک به نام «شیش پالاس» در سال ۲۰۰۴ از کتاب «کاخ مگس ها، اثر «مین کریکانات» روزنامه نگار و نویسنده ترک در سال ۱۹۹۰ سرقت شده که شامل کپی کردن برخی از ایده ها، شخصیت ها و فضاها بوده است. این دادگاه همچنین اعلام کرده که شافاک باید حدود ۱۶۰ هزار لیر ترکیه (۵۴۰۰ دلار) غرامت بپردازد و در یکی از بزرگ ترین روزنامه های کشور به سرقت ادبی اعتراف کند. شافاک گفته است که به این رای اعتراض خواهد کرد و در بیانیه ای رسمی این اتهامات را «تهمت بی دوانه وار، خوانده و بیان کرده پرونده دادگاه بر اساس حاکمیت قانون ایجاد نشده است و او نیز از «مین کریکانات» به دلیل آسیب رساندن به شهرت خود شکایت خواهد کرد و مشکوک است که این نویسنده با سوءنیت یا از روی حسادت دست به این شکایت زده است.



«ایران وریشه هایش» روانه بازار شد

کتاب «ایران و ریشه هایش» نوشته محمد علی نویدی به تاژگی توسط انتشارات دایره دانش منتشر و روانه بازار نشر شده است. نویسنده در این کتاب در قالب طرح یک سؤال مبنی براینکه ایران چیست و ریشه های آن کدام است؟ مطالبی را پیش روی مخاطب قرار داده است. نویسنده این کتاب در پاسخ به این سؤال که ایران چیست و ریشه های آن کدام است، می گوید: این پرسش یک سؤال معمولی و سطحی نیست، بلکه یک پرسش تفکری اثری و از جنس پرسش های فلسفی و ژرف اندیشانه، کنجکاوانه، باریک بینانه و نکته سنجانه است؛ بنابراین، برای کاوش و پژوهش و نگارش چنین کتابی، رهیافت، رویکرد و روش و منش ویژه ای لازم است و آن نگرش و روش تفکرانریزش بوده است. دیدگاه و اسلوبی که شالوده آن را آمیزه ای از تفکر و عمل و اثر تکوین می بخشد. برای پژوهش و تحقیق درباره ریشه هاو اندیشه های ایران باستان به نگاه و نگرش تفکری، اندیشه ورزانه و اثرمندانه نیاز داشته ایم. یعنی، بازسازی عقلانی با حفظ جوهره، جان هاو جوهرهای وجودی و اثری ایران، به تحقیق، همان ریشه ها و اندیشه های ایران است. چرا ایران و ایرانیان در تاریخ جهان و بشریت سر برافراشت و برتری یافت و ماندگار شد؟ والابابری و تبارمندی و ریشه داری ایران به چیست؟ شکوهمندی، عظمت و بلندی ایران با ریشه داری آن بستگی عمیق و ارتباط وثیق دارد. زمانه و زندگی مردمان ایران باستان چگونه بوده است؟ مردمان آریایی، انسان دوران مادها، مردم عصر هخامنشی، چگونه می اندیشیدند و می کشیدند؟

دراین کتاب، پرسش از چیستی و چگونگی حکمت و خردورزی ایرانیان همچنین علم ورزی، دانش اندوزی و صنعت کاربردی و کاربستی ایران مطرح شده است. در بخش دیگری از کتاب نیز درباره نگرش و کنش و شاخص های پنداری، رفتاری و کنش گری ایرانیان پژوهش شده است. کتاب «ایران و ریشه هایش» در پنج فصل با ۲۷۰ صفحه عرضه شده است.

کتابخانه شما یک ازدهاکم دارد

حمزه خوشبخت

اگر شما هم ترجیح می دهید به جای مخاطب یک کتاب بودن، زیر باران ببربر کنید، به جهان ناشناخته ها بروید و جادوها را زندگی کنید، کتاب «ازدهایی در کتابخانه» دقیقاً برای شما نوشته شده است.

کتابی برای کتاب نخوان ها، آن هایی که فکر می کنند قصه ها و داستان ها نمی توانند جادویی باشند. در این کتاب، ازکلمات کتاب، جنگلی اسرارآمیز، صحرایی عجیب و غریب و اژدهاهایی سربرمی آورد که دنیایی فراتر از قصه ها را رقم می زند. در همین کتاب است که با حضور ازدهاکام مهم شکست دادن زورگورخ می دهد.

داستان «ازدهایی در کتابخانه» داستان آشنایی با رمزرموز جادوگری نیز هست. در همین کتاب است که از شیوه های اعتراض سخن به میان می آید؛ اعتراض علیه آن کسی که می خواهد نشانی از کتاب و کتابخانه نباشد و به جای آن بساط زورگویی خودش حاکم باشد. داستان شگفت انگیز «ازدهایی در کتابخانه» داستان حضور آدم های واقعی و آشنای هر روز زندگی است، چنان که

هر کسی می تواند به فراخور زندگی اش با شخصیت ها هم ذات پنداری کند. این اثر دروازه ای برای ورود به جادوی کتاب هاست، پس شتل جادوگری تان را هنگام مطالعه کتاب فراموش نکنید.

ازدهایی در کتابخانه نوشته: لویی استرول ترجمه: فرهمرمنجزی

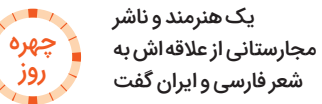
یک هنرمند و ناشر مجارستانی از علاقه اش به شعر فارسی و ایران گفت

از مجارستان به دیدن مزار فردوسی و خیام آمده ام

آندرا ادیولف، مجسمه ساز، نقاش و ناشری مجارستانی است که سال ها رئیس

بزرگ ترین انتشارات بوداپست مجارستان بود. او تاکنون پنج مرتبه به ایران سفر کرده و کتابی با عنوان «۱۰۰۸» درباره ایران

نوشته است. این هنرمند و ناشر مجارستانی از دوستداران شعر فارسی و کتابی در این باره منتشر کرده است که شامل رباعیات عمر خیام می شود. «تفکر ایرانی» کتابی دیگر از اوست که شامل اشعار و تفکرات شاعران بزرگ ایرانی مانند



آندرا ادیولف، مجسمه ساز، نقاش و ناشری مجارستانی است که سال ها رئیس بزرگ ترین انتشارات بوداپست مجارستان بود. او تاکنون پنج مرتبه به ایران سفر کرده و کتابی با عنوان «۱۰۰۸» درباره ایران نوشته است. این هنرمند و ناشر مجارستانی از دوستداران شعر فارسی و کتابی در این باره منتشر کرده است که شامل رباعیات عمر خیام می شود. «تفکر ایرانی» کتابی دیگر از اوست که شامل اشعار و تفکرات شاعران بزرگ ایرانی مانند

بازنشر گفت وگویی با مهدی اخوان ثالث

شاعر باید با خودش و مردم روراست باشد

تاریخ دقیق زادروز مهدی اخوان ثالث معلوم نیست. ویکی پدیای فارسی می گوید دهم اسفند۱۲۷۰مالین تاریخی نامعتبر است. خود شاعر در گفت وگویی که با ناصر حریری داشته است، می گوید: «منی توانم بگویم درست در چه سالی به دنیا آمده ام. بین سال های هزار و سیصد و شش یا هفت بود. آن وقت ها هنوز اوایل شناسنامه دادن و گرفتن بود. آدم یک وقت به دنیا می آمد و یک وقت هم شناسنامه اش را می گرفت. ولی بالاخره همان وقت ها متولد شدم». محمد رضا شفیعی کدکنی که رفاقتی نزدیک و دیرپا با اخوان داشت. در کتاب «حالات و مقامات م.امید» درباره روز و سال و ماه تولد او نوشته است: «به طوری که خودش می گفت: گویا در اواخر ۱۳۰۶ متولد شده بود و شناسنامه اش را در ۱۳۰۷ گرفته بودند. این نکته را دو بار از او شنیدم.» نزدیک ترین احتمال این است که شاعر «زمستان» در اسفندماه به دنیا آمده باشد. به همین مناسبت، برش هایی از دو گفت وگو با او را که بسیار کم گفت وگو کرد، بازنشر می کنیم. سه پرسش نخست از گفت وگوی پوران صرمی با اوست و برگرفته از کتاب «ناگه غروب کدامین ستاره»، که یادنامه مهدی اخوان ثالث است و هفت پرسش بعد از گفت وگوی ناصر حریری با شاعر ماست که در کتاب «درباره هنر و ادبیات» آمده و مربوط به سال های پایانی زندگی م.امید است.

● چرا و چگونه شعر می گوید؟ چرا و چگونه؟ این دو سؤال است. گرچه خیلی به هم نزدیک است. «چرا» را درست نمی دانم. شاید من هم گاهی آن بی تابی را داشته ام و داشته باشم. برای من شعرگفتن به منزله پاسخ دادن به یک نیاز درونی است، به مثابه آزمایشی است خصوصی و شخصی که بدانم زنده هستم یا نه. اما «چگونه»، بدین گونه که گویا قلم برمی دارم و کاغذ... و بعد گاهی می بینم که نه، هنوز خوشبختانه زنده ام.

● چرا و چگونه شعر می گوید؟ چرا و چگونه؟ این دو سؤال است. گرچه خیلی به هم نزدیک است. «چرا» را درست نمی دانم. شاید من هم گاهی آن بی تابی را داشته ام و داشته باشم. برای من شعرگفتن به منزله پاسخ دادن به یک نیاز درونی است، به مثابه آزمایشی است خصوصی و شخصی که بدانم زنده هستم یا نه. اما «چگونه»، بدین گونه که گویا قلم برمی دارم و کاغذ... و بعد گاهی می بینم که نه، هنوز خوشبختانه زنده ام.

● محرک اصلی شما در سرودن شعر چیست؟ زن است؟ جامعه است؟ یا عواملی دیگر؟ محرک اصلی و فرعی همه چیز برای من زندگی است که این زندگی از خیلی چیزها

فردوسی، سعدی، حافظ و خیام است. به گزارش ایلنا، او با اشاره به اینکه برای آشنایی بیشتر با تفکرات شاعران فارسی زبان به شهرهای مختلف ایران سفر کرده است، گفت: به نیشابور سفر کرده و آرامگاه عمر خیام را دیده ام. همچنین به توس و دیدار فردوسی رفته ام و از آرامگاه سعدی و حافظ نیز در شیراز دیدن کرده ام. ادبیات فارسی در مجارستان خیلی محبوب است و طرفداران زیادی دارد. خیلی دوستداران بی نظیر و پرسپولیس یا تخت جمشید از مهم ترین جاذبه های ایران است.

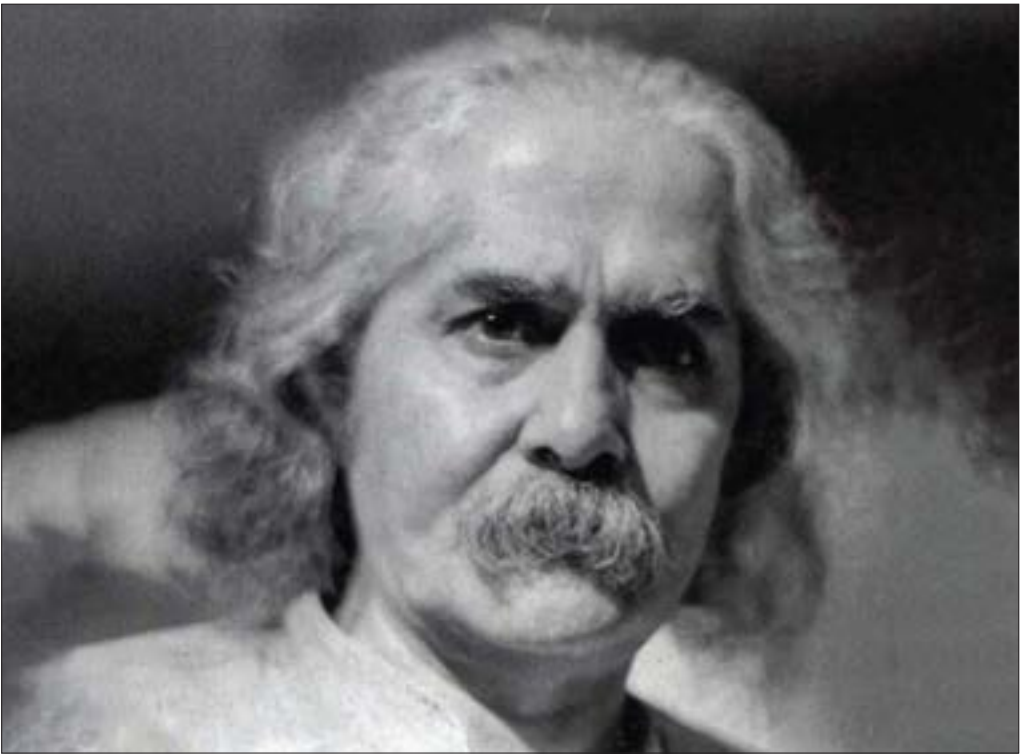
این ناشر مجارستانی ادامه داد: در ایران

دوستان زیادی دارم و معتقدم، ایران یکی از زیباترین کشورهاست که مردمی مهربان و مهمان نواز دارد. به همین دلیل است که من به ایران سفر می کنم و از پذیرایی مردمان آن سپاسگزارم. این نویسنده از چگونگی آغاز سفرهایش به ایران گفت؛ در ایران دوستان خیلی خوبی دارم. هنرمندان بی نظیر و فوق العاده ای در ایران هستند که از قضا با تعدادی از آن ها

دوست هستم. زمانی که مدیر بخش انجمن

انتشارات مجارستان بودم، برای نخستین بار به نمایشگاه کتاب تهران دعوت شدم که اولین سفر من به ایران بود. درواقع این سرآغازی برای سفرهای بعدی من به ایران شد. تاکنون نیز سه مرتبه در نمایشگاه کتاب تهران شرکت کردم، اما به دلیل شیوع کرونا دیگر نتوانستم به ایران بیایم. فرهنگ و مردم ایران را خیلی دوست دارم و این بزرگ ترین دلیل من است که به این کشور سفر می کنم.

فرهنگ و ادبیات



ندارم. بعضی ها حالا به خاطر ملاحظاتنی حرفی نمی زنند. حالا اگر می خواهد هر کس مانع دوست یا دشمن نباشد - بشود یا نشود- دنیا محل گذر است و همه در می گذریم، مثل پیشینیانمان و نیز آیندگان.

بگذر که جهان جای گذشت است و گذرگاه و آسان گذران کار جهان گذران را اما درباره اینکه گفتیم ذهن و فکر من دیگر شکل و شمایل خود را پیدا کرده، این است که مخصوصاً درباره جوانان که توقعات و پرسش هایی دارند، نمی خواهم ذهن و شکل روحیه خود را بر کسی تحمیل کنم و نباید چنین باشد و آن یکی خوب نیست و نباید. من به خود این حق را نمی دهم، شاید درست از آب درنیاید. پس جوان ها به نظر من باید فقط جاری و درره باشند و به صراطی مستقیم، ولی به خود و با خود و با مردم زمانه خود به اصطلاح «روراست و درست» باشند و سلامت نفس و نجابت ذاتی داشته باشند، همین، والسلام.

● شما درهرحال جهان را چگونه می نگرید؟ با دو چشم می بینم. بعضی ها را خوب و بعضی ها را هم بد می بینم. یعنی تقریباً همان طور که جهان هست یا من چنین می پندارم و اعتبار می کنم.

● ولی شما ظاهراً آنچه را که دوست ندارید و خوششان نمی آید، خیلی بیشتر از آنچه که خوب می بینید، بیان می کنید. آیا این طور نیست؟

سند شما چیست؟ بله همین طور است، شما آیا به جز این می کنید؟

● سند من شعرهای شمامست که خوانده ام و می بینم که جهان را سخت تیره می بینید. آیا شما اصلاً جهان را تیره می بینید؟

من نه حال بینم و نه آینده شناس و فال بین. من هم همین جوری دنیا را می بینم که همه می بینند، با این تفاوت که من این خوش آمد و بدآمدم را به صورت شعری بیان می کنم، بعضی ها هم می گویند به ما چه مربوط است. می بینند، اما همین نمی گویند، به خاطر ملاحظاتنی که دارند. من دیگر ملاحظه ای ندارم، دست کم حالا دیگر

● [...] این طور می فهمم که اولین کارهای شما با شعرهای عاشقانه شروع شد.

بله دیگر، معمولاً شعر از همین جور حماقت ها شروع می شود و بعد هم ادامه پیدا می کند تا آدم به حماقت کامل برسد یا قضیه را ولش کند برود دنبال یک کار و کسب نان و آب دار، ولی حماقت تاکنون ما را ول نکرده است. ناشرکو و ناراضی نیستیم و شکایتی از کسی نداریم به جز از خودمان و خودکرده را تدبیر...

● از چه وقت به شعر اجتماعی روی آوردید؟ از وقتی که به زندگی اندیشیدم و به نگوون بختی ملت توجه پیدا کردم و به دنیا و مقایسه کردن ها و چه و چه ها.

● آیا شما خودتان را پیرو فلسفه خاصی می بینید؟ ببینید هدف من اصلاً یک بحث سیاسی نیست، بلکه در اینجا به مسائل کلی تر یا دست کم به مسائل فلسفی نظر دارم. من اهل فلسفه و این حرف هایستم، وانگهی فلسفه پیش از هر چیز حوصله می خواهد و عرض کردم که من دیگر به کلی حوصله ام سر آمده است.

حسن انوری از اهمیت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی می گوید

شما چند زبان را می شناسید که در آن اثری مانند «شاهنامه» به وجود آمده باشد؟

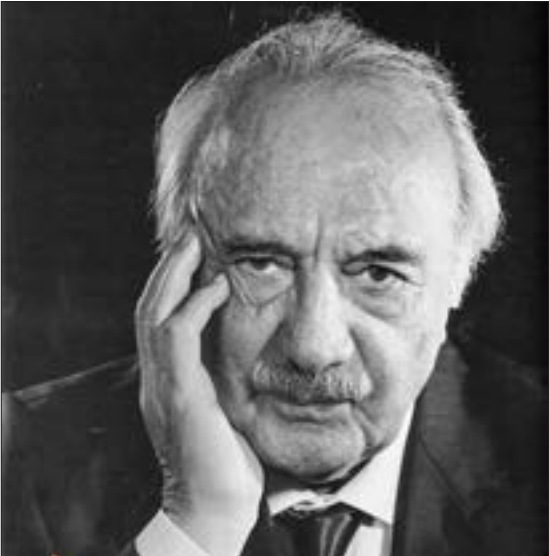
حافظ یا کلیات مولانا یا کلیات سعدی در آن به وجود آمده باشد؟ این ها بعد از شاهنامه مهم ترین عناصر فرهنگی ما و یکی دیگر از امتیازات زبان فارسی هستند.

● یک زبان بین المللی پیش از زبان فرانسوی و انگلیسی یکی دیگر از ویژگی های زبان فارسی از جهت مدنی و تمدنی است. اگر بخواهیم از منظر روابط بین المللی به زبان فارسی نگاه کنیم باید بگویم زمانی که زبان فرانسوی و زبان انگلیسی هنوز بین المللی نشده بودند، زبان فارسی، زبان بین المللی بود، زبان فارسی از اقصی نقاط هندوستان تا جنوب شرقی اروپا، زبان طبقه فرهیخته و به قول فرنگی ها طبقه الیت جامعه بود، پادشاهان عثمانی نه تنها فارسی را خوب می دانستند، به زبان فارسی شعر می سرودند. در جنوب شرقی اروپا و در هرگزوین برای بسیاری از آثار ادبی فارسی شرح نوشته شده است؛ مثلاً «شرح حافظ» که در آنجا نوشته شده، خیلی معروف است و حتی امروزه هم حافظ شناسان به آن مراجعه می کنند.

● واژه های خیابانی گذرا هستند [...] بنابراین این واژه های خیابانی که جوان ها می سازند و گاه به صورت شوخی به کار می برند مثلاً «خفن» و نظایر آن اولاً زودگذر هستند و اگر زودگذر نباشند، در مقابل این زبان معیاری که بسیاری از نویسندگان نوشته اند، نمی تواند ارزشی داشته باشد؛ بنابراین اصلاً نباید نگران بود که جوان ها این کلمات را به کار می برند. خانم مهشید مشیری همه این ها را به صورت فرهنگ جمع آوری کرده است و زمانی که می خوانید واقعا مبتذل هستند و چیزی نیستند که نماینده فرهنگ ایران و پایدار باشند. ابداً نباید نگران شوید، همان طوره که افغان ها نباید نگران بشوند که طالبان دارد زبان فارسی را از بین می برد.

● هیچ حماسه ای در دنیا به پای شاهنامه نمی رسد

سومین نکته این است که زبان فارسی، زبانی است که در آن شاهکارهای جهانی به وجود آمده است. شما چند زبان را می شناسید که در آن اثری مانند «شاهنامه» به وجود آمده باشد؟ اگر خیلی مته به خشخاش بگذارد فقط «ایلیاد» هومر را می توانید نام ببرید. بقیه حماسه های تاریخی که تعدادشان هم زیاد نیست، همه پایین تر از شاهنامه هستند چه از نظر اثری که بر ملتشان گذاشته اند و چه از نظر اثری که بر ادبیات جهان داشته اند. «شاهنامه» یک شاهکاری بی مانند در زبان فارسی است که نظیر ندارد. البته در کنار «شاهنامه» آثار دیگری نیز داریم که آن ها هم در حد خود یگانه هستند. شما آیا زبانی را می شناسید که اثری مانند دیوان



زبان فارسی استوارتر از آن است که عواملی چون واژه سازی خیابانی جوان ها یا تلاش طالبان برای نادیده گرفتن و به زوال رساندن آن، بتواند زمینش بزند یا آن را به دست فراموشی بپسارد. این لب کلام حسن انوری، استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ نویس است که با خبرگزاری ایسنا انجام داده است. گفت وگویی که درباره اهمیت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی است و در آن از شاهکارهایی چون شاهنامه فردوسی نیز سخن به میان آمده است. مطلب زیر گزیده ای از صحبت های این استاد زبان و ادبیات فارسی است.

